

هشدارهای رنانی درباره بیکاری اشتغال در پیچ خطرناک

سیدابراهیم علیزاده

محسن رنانی، دانشیار دانشگاه اصفهان با بررسی وضع اشتغال کشور نگرانی‌های خود را در این مورد بیان می‌کند. این گارشناس اقتصادی که اعتقاد دارد اشتغال، مهم‌ترین شاخص کارآمدی یک نظام سیاسی است، علت توجه کردن دولت به اشتغال در سال جاری را ناشی از این می‌داند که در بحث بیکاری و رکود کشور در حال ورود به بحران هستیم و اشتغال به پیچ خطرناکی رسیده است. وی در گفت‌وگو با روزنامه اعتماد تأکید می‌کند که اقتصاد ایران ظرفیت ایجاد ۲/۵ میلیون شغل طی یک سال را ندارد و هشدار می‌دهد که اینگونه اقدامات ضربتی موجب وارد آمدن شوک‌های جدیدی به تن بیمار اقتصاد ایران می‌شوند. به زعم وی، تزریق ۱۶۸ هزار میلیارد تومان برای ایجاد ۲/۵ میلیون شغل که وزارت کار اعلام کرده است نیز پیامدهایی چون شتاب گرفتن تورم، به هم ریختگی نظام پولی و مالی کشور، افزایش شدید بدهی و کسری بودجه دولت، زمین گیر شدن حجم عظیم دیگری از سرمایه‌های کشور، افزایش ناآرایی بخش تولید، افزایش واردات، افزایش بدهی‌های معوقه بخش خصوصی و دولتی به سیستم بانکی و رشد سریع فساد در مسیر جذب این حجم عظیم بودجه را در پی خواهد داشت که در نهایت یک ضربه کاری دیگر به اقتصاد ایران خواهد بود. وی با تعبیری عامه‌فهم رویکرد دولت درباره اشتغال را اینگونه توصیف می‌کند که دولت با اشتغال مانند آتش نذری برخورد می‌کند؛ یعنی رویکرد دولت به مانند آن است که جمعه‌ها در محله‌های مختلف نذری می‌دهند و به نوعی هر جمعه یک محله سیر می‌شود اما کل شهر در طول هفته گرسنه می‌ماند و در نهایت دولت مجموع کاسه‌های آتش نذری را به عنوان معیار سیر شدن کل شهر در نظر می‌گیرد. این کارشناس اقتصادی هر چند پیش از این مطرح کرده بود، درباره هدفمندسازی یارانه‌ها سکوت کرده، اما خیلی کوتاه در ارزیابی تأثیر اجرای این طرح بر اشتغال کشور می‌گوید: «به نظر می‌رسد ادامه این طرح بخش تولید را به سوی اغما می‌راند و اگر چاره‌ی اندیشیده نشود ما بزودی با زنجیره‌ی از بیکاری‌های پی در پی روبرو خواهیم شد.» وی در این مورد تصریح می‌کند: «با توجه به اینکه برخلاف قانون هدفمندسازی، هنوز یارانه‌ی به بخش تولید داده نشده و همه یارانه‌ها به پرداخت شده است و با توجه به کسری‌ای که برای پرداخت به خانوارها وجود دارد، دیگر امیدوی نیست یارانه‌ی به بخش تولید داده شود.» متن کامل این گفت‌وگو را می‌خوانید:



بماند و بسیاری از آنها هم پس از چند ماه فعالیت متوقف می‌شوند.

موضوع دیگر درباره طرح ایجاد دو میلیون ۵۰۰ هزار شغل در سال جاری، این است که اینچنین اقدامات ضربتی چه پیامدهای اقتصادی می‌تواند برای کشور به همراه داشته باشد؟ اینگونه اقدامات ضربتی موجب وارد آمدن شوک‌های جدیدی به تن بیمار اقتصاد ایران می‌شوند. اقتصاد ایران مانند بیماری است که تبش بالاست و نبضش پایین.

با چنین بیماری باید با احتیاط برخورد کرد. دادن داروهای ضربتی و خیلی قوی یا دادن شوک به چنین بیماری وضعیتش را ناپایدارتر می‌کند. در اقتصادی که تورم بالاست و ظرفیت بالاتر رفتن را هم دارد، در اقتصادی که با بحران نقدینگی روبرو است، در اقتصادی که نظام بانکی آن چند ۱۰ هزار میلیارد تومان از مردم طلبکار است، در اقتصادی

مدتی است بحث اشتغال بیش از گذشته مورد توجه دولتمردان قرار گرفته است. علت این توجه را در چه می‌بینید؟

چون در بحث بیکاری و رکود داریم وارد بحران می‌شویم و احتمالاً دولتی‌ها که اطلاعات و آمار بهنگام‌تری در دست دارند زودتر از ما کارشناسان متوجه بحران شده‌اند و البته این توجه خیلی دیر بوده است. چون توانایی ایجاد اشتغال مهم‌ترین، سیستمی‌ترین، دقیق‌ترین و عمیق‌ترین شاخص برای ارزیابی توانمندی یک سیستم سیاسی و اقتصادی است.

چراکه برای تولید یک شغل باید سازوکارهای نهادی یک سیستم خوب کار کند تا چنین اتفاقی بیفتد و شغلی ایجاد شود. در حالی که برای شاخص‌های دیگر اقتصادی وضع اینگونه نیست. بنابراین آنها باید پیش از آنکه اشتغال به چنین پیچ خطرناکی می‌رسد مساله را درمی‌یافتند و به فکر چاره می‌افتادند.

دولت به راحتی می‌تواند با تزریق پول نوعی رشد مصنوعی در اقتصاد ایجاد کند. یا می‌تواند با کنترل حجم پول، نرخ تورم را کاهش دهد یا می‌تواند با برخی مشوق‌ها، صادرات را بالا ببرد یا با دادن وام‌های ارزان قیمت سرمایه‌گذاری را

بنابراین به نظر من شاخص اشتغال بهترین شاخص برای ارزیابی کارایی یک نظام سیاسی است. بطور خلاصه ایجاد فرصت شغلی مانند دادن آتش نذری در یک محله از یک شهر گرسنه است. این جمعه در این محله آتش نذری می‌دهند، جمعه دیگر در یک محله دیگر.

دولت به راحتی می‌تواند با تزریق پول نوعی رشد مصنوعی در اقتصاد ایجاد کند. یا می‌تواند با کنترل حجم پول، نرخ تورم را کاهش دهد یا می‌تواند با برخی مشوق‌ها، صادرات را بالا ببرد یا با دادن وام‌های ارزان قیمت سرمایه‌گذاری را

اقتصاد ایران مانند بیماری است که تبش بالاست و نبضش پایین. با چنین بیماری باید با احتیاط برخورد کرد. دادن داروهای ضربتی و خیلی



آمار معاملات روز سه‌شنبه ۹۰/۶/۱	
مجموع حجم معاملات	۱۹۰۰۰۶۰۶۶ سهم
مجموع ارزش معاملات	۵۷۴۴۱۲/۱۶ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۱۸۲۱۳ معامله
ارزش بازار	۱۱۹۱۹۲۳/۲۰ میلیارد ریال

شاخص بازار در یک نگاه

عنوان شاخص	مقدار	درصد تغییر
شاخص کل	۲۵۳۸۹/۳۰	+۰/۶۸
شاخص صنعت	۱۹۲۹۲/۶۰	+۰/۷۶
شاخص ۵۰ شرکت فعال‌تر	۱۲۲۹/۲۰	+۰/۳۹
شاخص بازار اول	۴۱۵۹۷/۵۰	+۰/۶۵
شاخص بازار دوم	۳۰۵۷۲/۴۰	+۰/۹۵

برندگان (بیشترین افزایش)

نام شرکت	آخرین قیمت	درصد تغییر
سرمایک‌البرز	۳۴۶۵	+۲۴۶/۵
نورد و قطعات فولادی	۱۵۵۵	+۲۵۳/۰
ح. ایران ترانسفو	۴۶۲۳	+۷/۹۹
ح. ایران پلسا	۳۷۱۴	+۶/۱۱
پتروشیمی امیرکبیر	۱۸۷۰	+۵
شرکت آاس.پ	۳۵۳۰	+۵

بازندگان (بیشترین کاهش)

نام شرکت	آخرین قیمت	درصد تغییر
ح. توسعه فارس	۲۰۰	-۸۷/۵
ح. پلاسکوکار	۴۴۸	-۷/۸۲
ح. صنعت و معدن	۵۳۹	-۷/۰۷
ح. بانک دی	۳۰۰	-۴/۴۶
ماشین‌سازی ایران	۲۷۵۲	-۴/۳۲
ایران‌میرنوس	۲۴۶۴	-۴

پروفلدارترین (برترین تقاضا)

نام شرکت	قیمت خرید	ارزش سهم
سرمایه‌گذاری سایپا	۳۰۳۱	۱۰۳۶۴/۸۹
صندوق قیامت‌سنجی	۲۵۹۲	۸۶۴۸/۲۷
پست‌بانک ایران	۵۴۹۸	۷۶۷۴/۳۷
سازه‌بوش	۱۵۳۹۲	۶۶۱۸/۵۶
زمیاد	۲۳۷۶	۶۳۵۸/۹۵
شرکت آاس.پ	۳۵۳۰	۵۵۶۰/۱۴

کم‌طرفدارترین (برترین عرضه)

نام شرکت	قیمت فروش	ارزش سهم
بیمه‌دانا	۱۲۸۳۱	۱۱۵۰۶/۷۰
تهران‌شیمی	۱۰۲۶۸	۲۰۴۶/۳۴
گروه صنعتی ملی	۷۲۵۹	۱۰۹۰/۴۴
ماشین‌سازی ایران	۲۷۷۲	۸۵۷/۳۵
ایران‌میرنوس	۲۴۶۴	۷۷۷/۱۶
بیمه‌دانا	۱۲۸۳۴	۶۵۳/۱۹

معدمه مریض و ضعیف چند دست چلوبکاب بریزیم، خب این معدمه به هم می‌ریزد.

تزریق این میزان تسهیلات آن هم در شرایط کنونی که رشد نقدینگی بی‌سابقه است، چه پیامدهایی را به همراه خواهد داشت؟

پیامدهایش شامل شتاب گرفتن تورم، به هم ریختگی نظام پولی و مالی کشور، افزایش شدید بدهی و کسری بودجه دولت، زمینگیر شدن حجم عظیم دیگری از سرمایه‌های کشور، افزایش ناآرایی بخش تولید، افزایش واردات، دولتی به بدهی‌های معوقه بخش خصوصی و دولتی به سیستم بانکی، رشد سریع فساد در مسیر جذب این حجم عظیم بودجه و نهایتاً یک ضربه کاری دیگر به اقتصاد ایران است.

در این شرایط مدتی است دولت پر موضوع تولید صادرات‌گرا هم تأکید می‌کند. در این مورد می‌توان به بررسی دکتر زهرا کریمی، عضو هیات علمی دانشگاه مازندران اشاره کرد که وی تصریح می‌کند در این شرایط «سابقه حرکت به قهقرا پیش می‌آید و در این میان این قشر کارگر است که باید با کمترین دستمزد و مزایا، بیشترین بهره‌وری را داشته باشد تا هزینه تمام شده کالا قابل رقابت با کالاهای خارجی

اما اشتغال چیزی نیست که بتوان با پول، بهره، خواهش، تمنا، تشویق و اینگونه موارد ایجاد کرد. برای ایجاد اشتغال باید شرایط مهیا باشد که مهیا بودن آن شرایط هم به معنای وجود یک دولت کارآمد است. در یک کلام وقتی اشتغال ایجاد نمی‌شود مساله را باید در ناکارآمدی نهادهای دولت جست‌وجو کنیم نه در مشکلات اقتصادی و... مشکلات اقتصاد خودش معلول فقدان همان شرایط است.

دولت برای نشان دادن این تاکید و توجه خود به اشتغال، طرح ضربتی ایجاد دو میلیون و ۵۰۰ هزار شغل را مطرح کرده است. ابتدا بفرمایید اصلا اقتصاد ایران ظرفیت ایجاد این میزان شغل را دارد؟

نه تنها حالا ظرفیت این مقدار را ندارد بلکه حتی ظرفیت خیلی کمتر از اینها را هم ندارد. من حتی در زمان دولت آقای خاتمی وقتی طرح ضربتی اشتغال مطرح شد که قرار بود با دادن حدود ۹۰۰ میلیون تومان وام سه میلیونی حدود ۳۰۰ هزار شغل ایجاد شود، در جلسه غیرعلنی مجلس به عنوان یک کارشناس شرکت کرده بودم و گفتم که این طرح جواب نمی‌دهد و در کمتر از چهار ماه شکست می‌خورد و همین طور هم شد. آقایان یک خطای بزرگ را دارند تکرار می‌کنند و آن اینکه گمان می‌کنند با پول می‌شود اشتغال ایجاد کرد.

اشتغال محصول عملکرد سازگار و کارآمد کل یک نظام سیاسی است. اصلا اشتغال یک متغیر اقتصادی صرف نیست. اشتغال یک متغیر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. یعنی هر سه این شرایط باید مهیا باشد تا اشتغال ایجاد شود. مشکل دولتمردان ما این است که «اشتغال» را با «فرصت شغلی» اشتباه می‌گیرند. کافی است همین یک تفاوت را درک کنید تا نگاهشان به مساله عوض شود.

«اشتغال» با «فرصت شغلی» چه تفاوتی دارد؟ اشتغال ترجمه Employment است، در حالی که فرصت شغلی ترجمه vacancy است.

فرصت شغلی به معنی این است که در بخشی از اقتصاد مثلا در بخش کشاورزی ما تعدادی فرصت برای اشتغال داوطلبان ایجاد کنیم. مثلا اعلام می‌کنیم به هر فارغ‌التحصیل کشاورزی یک وام ۲۰ میلیون تومانی می‌دهیم که برود گلخانه بزند و میوه‌های گلخانه‌ای تولید کند. در این صورت ما تعدادی فرصت شغلی در بخش کشاورزی ایجاد کرده‌ایم.

اما ممکن است همزمان که ما داریم در بخش کشاورزی با دادن وام به مهندسان کشاورزی چند صد فرصت شغلی ایجاد می‌کنیم در صنایع نساجی کارخانه‌های ما دارند ورشکست می‌شوند و هزاران نفر از کارگروانشان را دارند اخراج می‌کنند. در این صورت اشتغال کل کاهش یافته است. پس اشتغال برآیند کل تحولات شغلی در کل بخش‌های اقتصاد را نشان می‌دهد.

دولت می‌تواند با پخش کردن پول در یک بخش اقتصاد، تعدادی فرصت شغلی در آن بخش ایجاد کند اما اشتغال کل در اقتصاد را با پخش پول



نایاب‌دار تر می‌کند. در اقتصادی که تورم بالاست و ظرفیت بالاتر رفتن را هم دارد نباید سیاست‌های شوک‌گونه به کار گرفت

که خود دولت چند ۱۰ هزار میلیارد تومان بدهکار است و نظایر اینها، نباید سیاست‌های شوک‌گونه به کار گرفت.

بی‌ثباتی سم مهلک اقتصاد است و این سیاست‌ها فقط بی‌ثباتی می‌آورند. ضمن اینکه بی‌اعتمادی هم می‌آورند و این نیز خطرناک است. با وجود این آثار و پیامدهایی که شما اشاره کردید، مقامات وزارت کار اعلام کرده‌اند برای ایجاد این میزان شغل نیاز به ۱۶۸ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری است تا با صرف این میزان پول به میزان دو میلیون و ۵۰۰ هزار شغل ایجاد شود. اینگونه برنامه‌ریزی کردن برای ایجاد شغل منجر به ایجاد شغل می‌شود؟

به نظر پاسخ این سوال شما را در پرسش‌های قبلی داده‌ام. نه تنها در اقتصاد ایران چنین حجمی از سرمایه بدون آسیب زدن به برخی بخش‌ها قابل فراهم‌آوری نیست بلکه حتی اگر چنین حجمی از سرمایه فراهم شود نیز اقتصاد ایران تحمل جذب همه آن را ندارد. مثل این است که یک باره در یک

دغدغه‌های یک اقتصاددان

محسن رنایی از کارشناسان صاحب نام اقتصاد کشور است که معمولا به مسائل اقتصادی نگاه منتقدانه دارد. چه در زمان دولت اصلاحات که به گفته خودش حتی برای ابراز نگرانی‌هایش به مجلس رفت و هشدارهایی درباره اجرای طرح ضربتی اشتغال داد و چه در سال‌های اخیر که از مخالفان اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها بود. با وجود این، این کارشناس اقتصادی از اقتصاددانانی است که با زبانی ساده سخن می‌گوید تا نگرانی‌هایش را عامه مردم نیز بتوانند درک کنند. مثلا درباره وعده ایجاد دو میلیون و ۵۰۰ هزار شغل در سال جاری تعبیر قابل توجهی به کار می‌برد. به زعم او، این اقدام مانند این است که یک‌باره در یک معده مریض و ضعیف میزان زیادی غذای ریخته شود که این کار باعث آسیب رساندن به بدن می‌شود.

رنایی هرچند فارغ‌التحصیل مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری اقتصاد از دانشگاه تهران است اما بیشتر از این دوران تحصیل، در دانشگاه اصفهان به عنوان استاد دانشگاه حضور داشته است. رنایی ۴۶ ساله در سال ۷۵ از رساله دکتری خود با عنوان «موانع نهادی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران» دفاع کرد و تاکنون ۱۰ عنوان کتاب تألیف و ترجمه و حدود ۴۰ مقاله علمی منتشر کرده است. معروف‌ترین اثر این کارشناس اقتصادی «بازار یا بازار؟» است.

وی از جمله مخالفان اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها بود که پیش از اجرای این طرح با تذکر چندباره درباره اثرات آن، پیش‌بینی می‌کرد دولت این طرح را اجرا نکند. پس از آن نیز وی معتقد بود اثرات اجرای طرح به حدی خواهد بود که دولت مجبور به توقف اجرای آن می‌شود اما اکنون این طرح در حالی متوقف نشده که اقتصاددانانی مانند فرشاد مومنی، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی با بررسی آثار اجرای آن بر توقف اجرای طرح تاکید بسیار دارند. با وجود این، دانشیار دانشگاه اصفهان ترجیح می‌دهد این روزها به نقد اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها نپردازد اما درباره وضع بیکاری کشور دیگر سکوت را جایز نمی‌داند.

اوهم‌چنین از معدود اقتصاددانان کشور است که درباره اشتغال هم تخصص دارد بیش از هر چیزی نگران بیکاری‌های زنجیره‌ای آینده کشور است. او با بیان پیامدهای اقدامات ناگهانی و طرح‌های ضربتی مانند وعده ایجاد بیش از دو میلیون و ۵۰۰ هزار شغل دولت در سال جاری تصریح می‌کند که «اینگونه اقدامات ضربتی موجب وارد آمدن شوک‌های جدیدی به تن بیمار اقتصاد ایران می‌شوند. اقتصاد ایران مانند بیماری است که تبش بالاست و نبضش پایین. با چنین بیماری باید با احتیاط برخورد کرد.»

دادن داروهای ضربتی و خیلی قوی یا دادن شوک به چنین بیماری وضعیت را ناپایدارتر می‌کند. در اقتصادی که تورم بالاست و ظرفیت بالاتر رفتن را هم دارد، در اقتصادی که با بحران نقدینگی روبرو است، در اقتصادی که نظام بانکی آن چند ۱۰ هزار میلیارد تومان از مردم طلبکار است، در اقتصادی که خود دولت چند ۱۰ هزار میلیارد تومان بدهکار است و نظایر اینها، نباید سیاست‌های شوک‌گونه به کار گرفت.»

باشند. در این شرایط میزان اشتغال کشور چه وضعیتی پیدا خواهد کرد؟

اگر گفتم اشتغال محصول عملکرد کل نظام سیاسی است، برای آن بود که بدانید واقعا اینگونه است. اتفاقا برای رشد صادراتی که بتواند در بازار جهانی رقابت کند ما بیش از هر چیز به اشتغال با ثبات و کارآمد در کشور نیاز داریم.

چون اگر ما بتوانیم کارآمدتر و ارزان‌تر از خارجی‌ها تولید کنیم می‌توانیم در بازار جهانی حضور پیدا کنیم. مخصوصا رعایت و حفظ استانداردها مساله اول در این مورد است و این دو ویژگی فقط وقتی محقق می‌شود که ما شرایط اشتغال باثبات و چشم‌انداز روشنی را برای بنگاه‌های کشور فراهم کنیم. آخر مگر سرمایه‌گذار می‌آید چنین ریسکی کند که سرمایه خود را جایی زمینگیر کند که بستگی تام به سیاست خارجی ما دارد؟

در شرایطی که سیاست خارجی یک‌شبه تغییر می‌کند و وزیر خارجه به چشم برهم‌زدنی عزل می‌شود و هر روز با یک کشور خارجی مساله پیدا می‌کنیم، اینها بی‌ثباتی، ریسک و هزینه مبادله را در بخش صادرات به شدت بالا می‌برد و آن را غیر اقتصادی می‌کند. بنابراین به نظر من بحث تولید صادرات‌گرا هم تبی است که به زودی به عرق می‌نشیند.

یکی از سیاست‌های در پیش گرفته شده دولت بویژه در بحث اشتغال، کتمان آمارهای مربوط است. این اتفاق چه پیامدهایی می‌تواند داشته باشد؟

این نحوه برخورد مثل این است که پزشک نبض بیمارش را کتمان یا غلط ثبت کند. خوب این باعث می‌شود که اطرافیان بیمار و سایر پزشکان و حتی خود پزشک در درمان بیماری گمراه شوند.

کتمان آمار یا آمار غلط باعث می‌شود تمام برنامه‌ریزی‌های بخش خصوصی و حتی خود دولت بر اطلاعات غلط بنا شود. بنابراین ضریب شکست پروژه‌ها و سیاست‌ها بالا می‌رود، ریسک در اقتصاد ایران بالا می‌رود، اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی کاهش می‌یابد، پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد که شرط لازم برای هر نوع سرمایه‌گذاری است از دست می‌رود و در یک کلام اقتصاد پیش از پیش بی‌ثبات و زمینگیر می‌شود.

هرچند جناب‌عالی قصد ندارید درباره هدفمندسازی یارانه‌ها تحلیلی داشته باشید اما به صورت خیلی کوتاه بفرمایید تاثیر اجرای این طرح بر اشتغال کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

خلاصه می‌گویم که با توجه به اینکه برخلاف قانون هدفمندسازی، هنوز یارانه‌ای به بخش تولید داده نشده و همه یارانه‌ها به خانوارها پرداخت شده است و با توجه به کسری‌ای که برای پرداخت به خانوارها وجود دارد، دیگر امیدی نیست یارانه‌ای به بخش تولید داده شود. به نظر می‌رسد ادامه این طرح بخش تولید را به سوی اغما می‌راند و اگر چاره‌ی اندیشیده نشود ما به زودی با زنجیره‌ای از بیکاری‌های پی‌درپی روبرو خواهیم شد.

خودرویی هانئض بازار را به دست گرفتند

شاهین یاسمی

روز گذشته افزایش قیمت خوبی را در اکثر نمادهای مطرح بازار شاهد بودیم و در یک تغییر روند امیدوارکننده بازار مثبت شد. در گروه خودرو، اکثر نمادها افزایش قیمت قابل توجهی داشتند بطوری که سایپا، گروه بهمن، زامیاد، ایران‌خودرو و سرمایه‌گذاری سایپا صف خرید داشتند. تشکیل صف خرید در محدوده مقاومتی این نمادها نشان از آن دارد که این نمادها قصد عبور از این منطقه را دارند. به این ترتیب یکی از لیدرهای قدرتمند بازار فرمان‌را به دست گرفت و پیشروی بازار شد.

در گروه بانک‌ها، اکثر نمادها افزایش قیمت خوبی داشتند. به‌سبب بانک تقاضای خوبی داشت و مورد استقبال فعالان بازار بود و با توجه به افزایش سرمایه قابل توجهی که بزودی اعمال خواهد کرد، در انتظار یک شوک برای تحرک بیشتر و عبور از منطقه مقاومتی بسر می‌برد. بانک پاسارگاد همچنان مورد حمایت قرار داشت و به نظر می‌رسد توانایی صعود تا قیمت ۳۵۰ تومان را دارد. با توجه به بازگشت آرامش به بازارهای جهانی فلزات و مواد خام شاهد افزایش قیمت در اکثر نمادهای مطرح گروه نفت، پتروشیمی، فلزات اساسی و معدن بودیم. پالایش نفت تبریز و پتروشیمی آبادان صف خرید و پتروشیمی اصفهان فاریاب صف فروش داشتند. ملی مس ایران، گل‌گهر، چادرملو، کالسیمین، فولاد مبارکه اصفهان، فولادآلیازی ایران و ملی سرب و روی افزایش قیمت داشتند. معادن منگنز و معادن بافق صف خرید داشتند. در گروه تجهیزات برق، موتوژن، ایران ترانسفو و کابلسازی شهید قندی صف خرید داشتند. در گروه شرکت‌های سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری بوعلی، صندوق بازنشستگی، سرمایه‌گذاری بوعلی، سرمایه‌گذاری ساختمان ایران، سرمایه‌گذاری آتیه‌دماوند و سرمایه‌گذاری پردیس صف خرید داشتند. نمادهای سیمانی متعادل بودند و سیمان فارس و خوزستان افزایش قیمت داشت. در گروه پیمانکاری، اکثر نمادها در سایه شایعات مثبت شدند اما هجوم فروشندگان و عرضه قابل توجه باعث عقب‌نشینی خریداران شد. حفاری شمال و مهنا مثبت شدند ولی فعالان بازار براین باورند تا زمانی که تکلیف صدرا مشخص نشود، نمادهای این گروه در هالی از ابهام‌بسر می‌برند. در گروه انفورماتیک، داده‌پردازی ایران صف خرید و افرات و فن‌آوا افزایش قیمت داشتند. به نظر می‌رسد امروز شاخص همچنان درگیر عبور از محدوده مقاومتی ۲۵۰۰ تا ۲۵۳۰ واحد است لذا انتظار عرضه‌های بالا در اکثر نمادها و گروه‌ها دور از تصور نیست. شرایط بازارهای جهانی هم می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌باشد.